

باد داستان

وداستان نویسان

حمیدرضا شاه‌آبادی

بسیار وسیع است. شخصاً از نوشتن داستان کوتاه بسیار لذت می‌برم اما وسوسه نوشتن رمان چیزی است که هر نویسنده‌ای به آن فکر می‌کند.

■ به نظر شما ادبیات کلاسیک در شکل‌گیری ادبیات امروزی چه نقشی دارد؟

□ در هر جایی به ادبیات کلاسیک باید به عنوان پشتوانه کار توجه شود. ظاهراً اوایل دوره کلاسیسیسم معروف بوده که می‌گفته‌اند حرف درست را قدما گفته‌اند و ما امروز کاری نمی‌کنیم جز تکرار آن حرف‌ها. شاید ما نتوانیم این را به صراحت بیان کنیم ولی در میراث گذشته ما به راستی که نکات ارزشمندی وجود دارد. ما آثاری داریم با قدمت چند صدسال، و در مقایسه با تجربه‌ای که طی یک دوره چند ساله می‌توانیم به دست آوریم، قطعاً استفاده از تجربه قدما خیلی بیشتر به ما کمک می‌کند. وقتی به ادبیات کلاسیک رومی آوریم همانند این است که قطره‌ای کوچک به دریایی بیکران متصل شده باشد. اثر هر ادیبی باید در فرهنگ بومی خودش هویت مشخصی داشته باشد. اگرچه معتقدم توجه زیاد به ادبیات کلاسیک نباید سبب شود که از نوآوری دور شویم.

فیروز زنوزی جلالی

■ هدف اصلی نویسنده از نوشتن داستان چیست؟
□ معمولاً ماجراها و تفکرات عمده و اصلی زندگی

■ انگیزه اصلی شما از روی آوردن به نویسندگی چه بوده است؟

□ البته من بر کلمه «نویسنده» تأکید نمی‌کنم و خودم را طلبه قصه‌نویسی می‌دانم. به نوشتن خیلی علاقه دارم و آن را بسیار دوست می‌دارم. پنج سال قبل اگر سؤال می‌کردید نمی‌توانستم بگویم که می‌خواهم نویسنده بشوم یا خیر. در گذشته، عرصه‌های مختلفی از تئاتر گرفته تا سینما را تجربه کرده بودم ولی چند سال گذشته احساس کردم که می‌خواهم نویسنده بشوم و هرچه بیشتر می‌گذرد در رسیدن به این خواست، بیشتر مُصر می‌شوم. یاد می‌آید پنجم ابتدایی رمان «بینوایان» را خواندم و بلافاصله سعی کردم با همان زبان کودکانه داستانی با حال و هوای قرن نوزدهم بنویسم. به یاد ندارم که کار را تمام کردم یا نه. به هر حال دوست داشتم نویسنده بشوم تا حرف‌هایم را به این طریق به دیگران انتقال دهم. این کار به من آرامش می‌دهد.

■ شما بیشتر دوست دارید داستان کوتاه بنویسید یا رمان؟

□ داستان کوتاه و رمان دو گونه مختلف از داستان هستند که هر دو زیبایی‌هایی دارند و سختی‌هایی. نوشتن رمان به تجربه و شناخت عمیق‌تری نیاز دارد تا داستان کوتاه. اگرچه برای نوشتن داستان کوتاه هم این تجربه لازم است اما حیطه کار در رمان

نویسنده، مهمترین عامل نوشتن داستان است. به عبارت دیگر، هر حادثه‌ای که بتواند نویسنده را تحت تأثیر قرار دهد عامل اصلی نوشتن داستان است. نویسنده می‌خواهد حرفش را به جامعه خودش بگوید و از همین رو سوزهای انتخاب می‌کند تا دیدگاه‌هایش را در قالب داستان بیان کند. برای نمونه داستانی به نام «مخلوق» دارم می‌نویسم که برای من، مهمترین عامل در نوشتن آن، یافتن پاسخ یا کشف رابطه میان مخلوق و خالق است. در حقیقت سؤالاتی که برای خودم دربارهٔ چگونگی روابط این دو به وجود آمده بود، شد اصل ماجرا در این داستان.

■ به نظر شما چه عواملی باعث پیشرفت نویسنده می‌شود؟

□ نویسنده باید در کارش جدی باشد. یعنی دغدغه او باید نوشتن باشد. نه اینکه نوشتن، فرع بر کارهای دیگر باشد. البته در هر کاری باید از اطلاعات و آگاهیهای لازم برخوردار بود و به دقت کار کرد. دقت در نثر، توصیفات و حتی دیدن محیط پیرامون خود برای نویسنده از واجبات است. شتابزده هم نباید نوشت؛ اگرچه شتابزدگی در کار نویسندگان ما به سبب مشکلات اقتصادی است. زیرا نویسنده‌ای که از نظر مالی تأمین نباشد گاه درگیر نوشتن رمانهای سفارشی می‌شود و سعی می‌کند آن را به سرعت به پایان برسد چون این گونه سفارشها معمولاً زمان محدودی هم دارند. اگر تعریف عرق ریزی روح را برای نوشتن ادبیات داستانی درست بدانیم در اینجا عرق ریزی روح وجود ندارد.

■ نویسندگان افزون بر جدیت در مطالعه رمان،

در چه زمینه‌های دیگری باید جدیت داشته باشند؟

□ رمان بستر تجربه است. اگر آثار برجسته جهان را بخوانید می‌بینید در آنها همه چیز وجود دارد؛ از جمله مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی روانشناسی مثلاً در رمان «ژان کریستف» و «جان شیفته» رومان رولان و یا حتی «خانواده تیبو» مسائل فلسفی مطرح شده. برای نویسندگان این آثار، نوشتن بهانه‌ای است برای بیان عقاید فلسفی خودشان. آثار داستانی، دریایی از اطلاعات و تجربیات به شمار می‌روند و به نظر من نویسنده‌ای که جامعه خودش را نمی‌شناسد نمی‌تواند یک اثر خوب بیافریند.

■ شما هنگام نوشتن داستان بر چه عنصری تأکید می‌کنید و

بیشتر به آن می‌پردازید.

□ از نظر من مهمترین عنصر داستانی شخصیت است. در داستانهای من ممکن است فضاسازی هم بشود ولی من سعی می‌کنم با بزرگنمایی شخصیت داستانهای خود را بیافرینم. البته قصه‌هایی هم دارم که در آنها فضاسازی بیشتر به چشم می‌آید و در آنها انسانها در فضاهایی غریب قرار داده شده‌اند.

■ افکار یا آثار کدام نویسندگان بیشتر در کار شما اثر گذاشته‌اند؟

□ گمان نمی‌کنم نویسنده‌ای بتواند به این پرسش پاسخ شایسته‌ای دهد اما من از آثار مارسل پروست بسیار خوشم می‌آید. زیرا داستانهای او ذهنی هستند و من هم دوست دارم

آثاری را که بر پایهٔ جریان سیال ذهن هستند بنویسم. به نظر من این وظیفه متقدمان است که بگویند کدام نویسنده تحت تأثیر کدام نویسنده دیگر قرار داشته. لیکن این کار در ایران زیاد باب نیست.

■ چه نظری برای راهتمایی نویسندگان نو قلم دارید؟

□ باید دید، نوشتن داستان چقدر برای فرد، مهم است.

عرضهٔ داستان هر صدها بسیار گسترده‌ای است اما معتقدم نویسندگان نو قلم باید زمان بسیاری را برای نوشتن و خواندن داستان بگذرانند و به توصیفات، دیالوگها، فضاسازها و شخصیت پردازیها توجه بسیار کنند. بهتر است نویسندگان نو قلم قصه‌هایشان را به افراد مختلف نشان دهند و از آنها نظر خواهی کنند. از عدم چاپ آثارشان ناراحت نشوند. دنبال یافتن عیب کارشان باشند و از باز نویسی چندبارهٔ نوشته‌شان غافل نشوند. آفت هراتری شتابزدگی است. نویسندگان نباید در پدید آوردن کارشان شتاب داشته باشند. اولین مرحله در شروع هر داستان جرعه‌ای است که در ذهن نویسنده زده می‌شود. بعد از آن تعریف قصه برای دیگران می‌تواند عامل مؤثری در شاخ و برگ دادن به آن برای نوشتن داستان باشد.

محمد عزیزی

■ شما بیشتر دوست دارید داستان کوتاه بنویسید، یا رمان؟

□ معمولاً هر کسی دلش می‌خواهد در کارنامه‌اش رمانی داشته باشد ولی از لحاظ ارزشگذاری بین رمان و داستان کوتاه تفاوتی وجود ندارد. من دوست دارم در هر دو زمینه کار کنم. به عبارت دیگر معتقدم ضرورت کار است که مشخص می‌کند رمان بنویسم و یا داستان کوتاه.

■ گمان می‌کنید خواننده از نویسنده و نویسنده از خواننده

چه توقعاتی دارد؟

□ بی‌تردید نویسنده توقع دارد خواننده، اثر او را دقیق بخواند. تادرونمایه و شگردهایی را که نویسنده داستان پنهان کرده، کشف کند. گمان می‌کنم خواننده هم انتظار دارد پس از مطالعهٔ کتابی که انتخاب کرده و خوانده احساس آرامش کند و فکر کند دنیای جدیدی را کشف کرده است نه اینکه احساس کند وقتش را هدر داده.

■ به نظر شما توجه به ادبیات کلاسیک در شکل‌گیری

داستانهای امروزی چه نقشی دارد؟

□ قطعاً نقش بسیار دارد. داستانهای منظوم شاعران بسیار بزرگ مثل فردوسی، نظامی، عطار و حتی داستان‌واره‌های مولوی در «مثنوی» و یا قصه‌های «هزار و یک شب»، «چهل طوطی»، «حسین‌کرده» و «امیر ارسلان» و به طور کلی ادبیات کلاسیک اعم از داستانی و غیرداستانی تأثیر بسیاری در کار نویسنده می‌گذارد.

■ درونمایه و موضوع اصلی داستانهای خود را چگونه

به دست می‌آورید؟

□ به محیط اطراف بسیار دقت می‌کنم. مجموعه مطالعات و

داستانهایی که می خوانم در این کار سهیمند. گفت و گو با افراد مختلف یکی دیگر از عواملی است که مرا دریافتن موضوع داستان یاری می دهد. در هر حال موضوع اصلی داستانهایم را از درون جامعه به دست می آورم نه در اتاق بسته و با قدرت تخیل صرف. سفر می تواند عامل مهمی برای پیدا کردن مضمون اصلی داستان و پرداخت آن باشد. تغییر محیط به انسان حس جدیدی می دهد و نیروهای نهفته درون انسان را بالفعل کند.

■ چه پیامی برای نویسندگان نو قلم دارید؟

□ خودشان را از مطالعه جدی ادبیات داستانی نویسندگان برجسته ایرانی و خارجی محروم نکنند. محیط خودشان را خوب ببینند. خوب بخوانند و خوب بنویسند و خوب بشنوند تا صاحب تجربه بشوند. شتابزده اثرشان را به پایان نبرند. صبر و حوصله و مطالعه را نباید از یاد ببرند.

رضارنگر

■ نویسنده از خواننده و به عکس آن خواننده از نویسنده چه انتظاراتی دارد؟

□ مسلماً نویسنده می خواهد نتیجه زحمتش با توجه و دقت خواننده شود و خواننده به ظرافتهای مورد نظر نویسنده در اثر توجه کند. هر نویسنده ای دوست دارد امکانی فراهم شود تا نظر خواننده را بداند و اگر اثرش مورد توجه همه قرار گرفت خواننده ها آن را به دیگران معرفی کنند. تجربه نشان داده کتابهایی که خوانندگان تبلیغ می کنند بیشتر به فروش می رود تا کتابهایی که از طریق مطبوعات و یا نقد و بررسی معرفی شده اند. خواننده داستان نیز توقعاتی دارد که گمان می کنم اولین این است که کتاب داستان قالب و ساختار داستانی داشته باشد و نویسنده برای خلیق آن زحمت بسیار کشیده باشد و صادقانه تجارب شخصی خود را در کتابی که او می خواند مطرح کرده باشد.

■ آیا شما نقد آثار خودتان را هم می خوانید؟

□ به مطالعه نقد آثارم علاقه دارم و وقتی احساس می کنم منتقد درست متوجه مطلب نشده یا در جایی اشتباه کرده یا حیثاً غرض ورزی کرده به او متذکر می شوم. معمولاً چنین کرده ام. البته گاهی نشریه ای که نقد را چاپ کرده پاسخم را چاپ نکرده که این هم نوعی استبداد است؛ استبدادی پنهان است از آن جهت که کسی درباره اثری که نویسنده ای نوشته هر چه دلش خواسته گفته ولی فرصت جوابگویی به آن نقد در چارچوب ادب به نویسنده داده نمی شود.

■ موقع خواندن نقدها چه واکنشی نشان می دهید؟

□ به هر حال همه از حرف ناحق ناراحت می شوند. اگر چه میزان ناراحتی در افراد مختلف درجات مختلفی داشته باشد. اگر منتقد موضع غیر متصفانه ای گرفته باشد ناراحت می شوم و معتقدم باید به مؤلف فرصت داده شود تا او هم پاسخی بنویسد و جواب نقد در آن نشریه چاپ شود.

■ شما بیشتر تحت تأثیر چه نویسنده ای بوده اید؟

□ به طور خاص تحت تأثیر نویسنده خاصی نبوده ام. از بدترین نویسندگان گاهی آن قدر یاد می گیرم که احتمالاً از بهترینها نتوانم آن را بیاموزم. اما احساس می کنم در نشر مدیون دکتر شریعتی هستم.

■ درونمایه داستانهایتان را از کجا به دست می آورید؟

□ بیشتر از تجارب شخصی و مشاهداتم. گاهی هم مشغله فکری باعث می شود طرح داستان جدیدی در ذهنم ریخته شود. یک بار خوابم منشأ یکی از داستانهایم شد.

■ در نوشتن داستانهایتان بیشتر چه عنصری را مد نظر دارید؟

□ بیشتر دوست دارم تجارب شهودی و حسی ناب انسانی را مطرح کنم. همیشه طرح داستان برایم مهم بوده است. چون ستون فقرات هر داستان طرح آن است. بعد از آن به جمع آوری اطلاعات کافی از فرهنگ، آداب، رسوم و زمان و مکان وقوع داستان به ویژه در داستانهای تاریخی اهمیت می دهم. نشر هم یکی از ابزار اصولی کار نویسنده است که به آن توجه می کنم.

■ ادبیات کلاسیک چه تأثیری می تواند در پیشرفت ادبیات معاصر داشته باشد.

□ از ادبیات کلاسیک می توان به شکل باز نویسی شده یا بازآفرینی شده و یا اقتباس و منبع و الهام استفاده کرد. شکل سوم با خلاقیت بیشتر همراه است و مفیدتر به نظر می رسد. به کارگیری شگردهای داستانی هم هست که می توان از آنها بهره برد. یک جنبه دیگر این آثار مضامین آنهاست که می تواند با ساخت و پرداخت جدید مورد استفاده قرار گیرد، و در نهایت نشر خیلی از این آثار است که با مطالعه و دقت در آن ذهن نویسندگان بارورتر می شود.

مجتبی رحماندوست

■ به نظر شما خواننده از نویسنده داستان و نویسنده از خواننده چه توقعاتی باید داشته باشد؟

۱- خواننده حق دارد از نویسنده توقع داشته باشد که داستانی جذاب برای او خلق کرده باشد. رمان و داستان خودش باید خواننده را به دنبالش بکشد. اگر قرار باشد خواندن رمان و داستان هم مشکل باشد و خواننده جذب اثر نشود و خواندن آن با اعمال شاقه و فشار همراه باشد قصه یا رمان جذابیتش را از دست می دهد. اندیشه را می توان در قالب مقاله یا تاریخ یا گزارش یا ... نوشت و خواننده هم حق ندارد توقع جذاب بودن آن را داشته باشد. کسی که به دنبال اندیشه و محتوا و مطلبی است و می خواهد آن را از میان کتب و مقالات و تحلیلها و مانند اینها بیرون بکشد باید تاب و تحمل داشته باشد و جور هندوستان را هم بکشد اما اگر قرار شد قالب انتقال اندیشه، قصه و رمان باشد نمی توان از خواننده انتظار داشت که یک اثر خسته کننده و ملال آور را تا پایان بخواند و از آن خوشش بیاید. درست نیست که خوانندگان قصه و رمان را متهم کنیم و بگوییم هر کس این کار را تا آخر نخواند بی سواد است یا قسمش بدیم که باید حتماً تا آخر بخوانی و ... البته بعضی

از قصه نویسان افتخار می کنند که کتابشان را نمی شود با یک بار خواندن فهمید و از خوانندگان انتظار دارند که رمان را دو سه بار بخوانند تا بفهمند. این انتظار اگر در مورد هر قالب دیگری قابل بررسی و احیاناً مورد قبول باشد در مورد قالب قصه و رمان مردود است.

اشتباه نشود! ممکن است از خواندن رمان در مرتبه دوم و سوم چیزهایی فهمید که احتمالاً بار اول به آنها توجه نشده اما اینکه اصلاً کتاب مفهوم نشود و جاذبه نداشته باشد و فهمیدن آن منوط بر خواندن مکرر آن باشد در مورد رمان و داستان قابل قبول نیست.

۲- باید چنین کرد که اثر تا حد امکان کوتاه شود. این به معنای از شکل انداختن داستان نیست. انتظار نداریم نویسنده خلاصه داستان را و لب مطلب را بازگو یا بازنویسی کند اما چه بسیارند رمانها و داستانهایی که زواید مشهودی دارند و می توان آنها را حذف کرد.

۳- خواننده حق دارد از نویسنده بخواهد که عمر او را تلف نکند. اگر نویسنده فقط به فرم فکر کند، به جاذبه اثر بیندیشد، نشر اثر را تقویت کند، ساختار رمان را مستحکم سازد، جلوه های ویژه خیره کننده ای در تکنیک رمان نویسی خود خلق کند و دهها کار تکنیکی و شکلی دیگر هم ارائه کند اما خواننده در پایان اثر از خودش پرسد: «خوب، که چی؟» و در نهایت عمر و وقت خود را تلف شده تلقی کند حق دارد خود را از نویسنده طلبکار بداند. زمان پرداختن به هنر برای هنر گذشته است؛ اگر کسی رمان بنویسد که زمانی موفق هم بشود و از نظر آگاهان به ادبیات داستانی، قواعد و آداب رمان نویسی را به خوبی رعایت کرده باشد اما قالب رمان را برای انتقال یک اندیشه، به کار نبرده باشد او حق خواننده خود را پایمال کرده است.

۴- خواننده باید از نویسنده توقع داشته باشد که برای گردآوری اطلاعات لازم در نگارش رمان تلاش بسیار کرده باشد. سطحی بودن اندیشه و محتوای رمان، همه جانبه دیده نشدن موضوع، یک طرفه به قاضی رفتن نویسنده و توجه نکردن به دیدگاههای متفاوت یا مخالف، درونکاوی نکردن شخصیت‌های داستان (در صورت لزوم)، ارائه نکردن اطلاعات تاریخی از بستر و وقوع حوادث رمان، ندادن اطلاعات جغرافیایی و منطقه ای، توصیف نکردن ظاهر قهرمان و ضد قهرمان و دیگر شخصیت‌های مهم اثر و دهها نقص دیگر که بیانگر تنبلی یا ناتوانی نویسنده است همگی توقعات بجایی است که خواننده باید از نویسنده داستان و رمان داشته باشد و دارد.

۵- خواننده حق دارد از نویسنده بخواهد که به او و مقدسات او توهین نکند، فرهنگ عمومی را به مسخره نگیرد، از باورهای عمومی به زبان طعنه و نیش قلم یاد نکند (تو گویی نویسنده اثر رو در روی خواننده ایستاده و یا او سخن می گوید. بنابراین ادب و آداب مکالمه باید در اثر نویسنده رعایت شده باشد).

۶- این حق خواننده است که حداقل معیارها در چاپ و نشر کتاب رعایت شده باشد. گرچه چاپ و انتشار کتاب در حیطه مسؤلیت نویسنده نیست و ناشران هستند که در خوبی یا بدی شکل و شمایل کتاب مؤولند ولی نویسنده می تواند اعمال نظر کند و از چاپ و انتشار کتاب به صورت نامناسب، در قطع نامطلوب، با حروفچینی نامناسب و خسته کننده با شکل و شمایل زشت و زنده جلوگیری به عمل آورد. اگر حروف کتاب خیلی ریز یا خیلی درشت باشد، یا صفحه بندی مناسبی نداشته باشد، صحافی آن به گونه ای باشد که ورق زدن مشکل شود، ته بندی آن به شکلی باشد که اندکی بعد، کتاب ورق ورق شود و مشکلاتی مانند این موارد آیا به خواننده شدن اثر و جاذب بودن آن لطمه وارد نمی کند؟

و اما توقعات نویسنده از خواننده

۱- نویسنده حق دارد از خواننده بخواهد که کتاب را در فرصت مناسب و شرایط مناسب بخواند تا درباره مطالب کتاب قضاوت درستی کند. اگر کسی رادیو یا تلویزیون را روشن کند اما به جای گوش کردن به رادیو یا نگاه کردن به تلویزیون سرگرم کارهای دیگری بشود به هیچ وجه شناخت و قضاوت درستی درباره آنچه از رادیو یا تلویزیون پخش می شود دست نخواهد یافت. بدون شک خواندن کتاب در محیط شلوغ، در شدت خستگی، در فضای نامناسب، در شرایط جسمی و فیزیکی نامطلوب تأثیر منفی دارد و نمی توان به قضاوت و حکمی که در چنین شرایطی صادر می شود اعتماد کرد.

۲- نویسنده حق دارد از خواننده بخواهد از پیشداوری خودداری کند. نباید با خواندن مقدمه درباره کل کتاب اظهار نظر کرد. نباید با داشتن ذهنیتی از نویسنده حکم قبلی را درباره کتاب جدیدش هم سرایت داد. نباید با آشنایی سطحی و اولیه با قهرمان یا قهرمانان اثر درباره پایان کار و درست یا نادرست بودن آن رای داد. چه بسا شخصیتی به اصطلاح سیاه در ابتدای اثر توسط نویسنده چنان معرفی بشود که به مذاق خواننده خوش نیاید؛ باید دید در پایان چه می شود و برآیند نهایی کار به کدام سو است. عاقبت کار مهم است نه میانه کار. بنابراین حق نویسنده است که از خواننده بخواهد در قضاوت عجله نکند، خیلی زود نویسنده را متهم نکند و او را خالق و شایع کننده ضارزشها معرفی نکند.

۳- نویسنده حق دارد به خواننده بگوید تنگ نظر نباش، مرا با شابلون و معیارهای اندازه گیری شخصی ات ارزیابی نکن، قرار نیست من هم دقیقاً همان گونه بیندیشم که تو می اندیشی او به خواننده می گوید که باید تحمل شنیدن و خواندن مطالبی را که قبول نداری داشته باشی. اگر قرار باشد نویسنده و خواننده کاملاً همفکر باشند و از نظر فکری سرسوزنی با هم فرق نداشته باشند که لازم نیست کتابی منتشر شود. اصلاً منتشر بشود که چی؟ یکی از دلایل انتشار آثار صاحبان نظر - در زمینه داستان و غیر داستان - نشر اندیشه ای نو، دیدگاهی نو و خلاصه یک چیز

نو است که آن هم یعنی اختلاف یا در حد کمتر: تفاوت. بنابراین خواننده نمی تواند نویسنده را به سبب داشتن اندیشه و یا سلیقه ای متفاوت با او، محکوم کند؛ به ویژه که جزای این محکومیت را ناتمام گذاشتن مطالعه کتاب قرار دهد.

هنرجویان داستان نویسی

خسرو صالحی

■ انگیزه اصلی شما برای نوشتن داستان چیست؟

□ به نظر من انگیزه هر کس به آموخته ها و دغدغه های فکری او بستگی دارد. البته انگیزه تا حدودی شخصی و در بسیاری از موارد اکتسابی است و با تمرین و ممارست می توان به آن رسید. من فکر می کنم انسانها در مراحل نیازمند اثبات توانایی خود هستند و انگیزه اصلی من بیان جوششی است که در وجود احساس می کنم. من با نوشتن داستان احساس آرامش می کنم و لذت می برم.

■ به نظر شما چه عواملی می توانند روند داستان نویسی را متحول سازد؟

□ متحول شدن نویسنده به عوامل زیادی بستگی دارد: (۱) مطالعه کردن و بازنگری روند پیشرفت خود در گذشته (۲) فرزند زمان خویش بودن (۳) آشنایی، مشاوره و مکاتبه با بزرگان و پیشکسوتان این هنر (۴) آشنایی با مقوله روان شناسی. (۵) شناسایی تاریخ و تمدن کشور. (۶) داشتن نگاهی تیزبینانه ■ شرکت در جلسات نقد و بررسی داستان تا چه حد می تواند راهگشای کار شما باشد؟

□ اولین روزی که با این جلسات آشنا شدم فکر نمی کردم که این جریان بتواند در من تحول ایجاد کند. خیلی مهم بوده قدری که توانست انگیزه ام را تقویت کند و مسیرم را روشنتر سازد.

امیر فانی

■ به چه دلیل به هنر داستان نویسی علاقه مند شده اید؟

□ برای اولین بار داستانی نوشتم و آن را در یک مسابقه شرکت دادم؛ برنده شدم، و همین باعث شد که به این هنر علاقه مند شوم. داستانم را به دوستانم هم دادم و آنها نیز خواندند و مرا تشویق کردند. این اظهار نظرها مرا بر آن داشت تا به این هنر بیشتر بپردازم.

■ نظر خودتان را درباره داستان کوتاه و رمان بیان کنید؟

کدام یک را بیشتر می پسندید؟

□ من داستان کوتاه را بیشتر دوست دارم چون رمان معمولاً طولانی است و بخشهایی دارد که خواندن آن برایم جالب نیست. وقتی خواندن رمانی را شروع می کنم قبل از اینکه به اوج آن برسم خسته می شوم. البته رمانهای زیادی چون «آنا کارنینا» و سایر داستانهای مشهور را خوانده ام اما باز خسته و کسل شده ام. داستان کوتاه زود به نقطه اوج می رسد به همین

جهت برایم جذاب تر است.

ابوالفضل آموزش

■ علاقه مندان هنر داستان نویسی چه راهی را باید طی کنند تا زودتر به هدف خود برسند؟

□ برای پیمودن هر راهی اغلب آموزشهایی باید دیده شود. علاقه مند داستان نویسی هم از این قاعده مستثنی نیست. داشتن استعداد هم شرط بسیار مهمی است و تا استعداد نوشتن نداشته باشید نمی توانید به این موفقیت برسید. اگر استعداد بود با مطالعه سنگین و داشتن پشتکار و شرکت در جلسات نقد و بررسی داستان می توان آموخته ها را بیشتر کرد و به خواسته های خود رسید.

■ انگیزه اصلی شما برای نوشتن داستان چیست؟

□ جواب کلیشه ای این سؤال بیان احساسات است، اما در حقیقت روز اولی که سعی کردم داستان بنویسم فکر کردم می توانم تمام عقاید و دیدگاههای خودم را روی کاغذ بیاورم و تأثیرگذار باشم. ولی با گذشت زمان پی بردم برای این کار ابتدا باید خود را به تغییر و تحول اساسی برسانم، بعد دیگران را.

زهرا پورقربان

■ به نظر شما در طول روز چند ساعت مطالعه داستان کافی است؟

□ اگر بتوانیم تمام طول روز و شب را به مطالعه بپردازیم باز هم کم است چرا که یکی از عوامل اصلی نویسندگی مطالعه است.

■ گمان می کنید خواننده از نویسنده و نویسنده از خواننده چه توقعاتی باید داشته باشد؟

□ خواننده تشنه آموختن است. نویسنده هم باید ساده نویس باشد تا توده مردم بتوانند با نوشته او ارتباط برقرار کنند. اگر نویسنده نتواند در خواننده دگرگونی و تحول ایجاد کند وقت خواننده را هدر داده است.

■ انگیزه اصلی شما از نوشتن داستان چیست؟

□ من از دوران کودکی محیط اطرافم را طور دیگری می دیدم. تمام رفتار و گفتار و کردار مردم برایم جالب بود. دلم می خواست علت آنها را بیابم. وقت نوشتن به طرح این پرسشها می نشینم. پرسشهایی که در ذهنم شکل گرفته است.

مهدی کاموس

■ شرکت در جلسات نقد و بررسی داستان تا چه حد می تواند راهگشای کار شما باشد؟

□ من نوشتن را با شرکت در جلسات هفتگی گروه نقد و بررسی ادبی جوان در فرهنگسرای بهمن و جلسه نقد و بررسی قصه حوزه هنری شروع کردم.

خواندن کتابهای فراوان و از همه مهمتر بحث و بررسی درباره یک موضوع با چند نفر و آشنایی با دیدگاههای دیگر،

شناخت عوامل و عناصر و چگونگی کاربرد تکنیک در داستان، رسیدن به یک تعریف جامع درباره عناصر داستان و همچنین تجربه های عملی و کاربردی شیوه های تحلیل و بررسی و گهگاه شنیدن و استفاده از نظریات جدید و مطالعات نو از جمله مواردی هستند که می توانند راهگشای نویسندگان نوپا باشند.

■ علت کاهش آثار داستانی و همچنین کاهش مطالعه داستان را در چه می دانید؟

□ علت کاهش آثار داستانی در ظاهر مشکلات اقتصادی است اما در حقیقت کم بودن و ناب نبودن داستانها و از همه مهمتر شیوه ارائه غیر داستانی و ادامه دار نبودن داستانها در صفحات ادبی نشریات از مسائل جدی و قابل بحث در رکود چاپ آثار داستانی است.

سرمایه گذاری و حمایت های اشتباه ناشران دولتی و عدم شناخت و حمایت از نویسندگان خوب نیز در کل به بازار و جایگاه ادبیات داستانی لطمه های جدی وارد کرده است. معرفی کتاب به ویژه به شیوه نقد و بررسی هم هنوز جایگاه شایسته خود را در محافل و مطبوعات و رسانه ها پیدا نکرده است - که خود مدلول عوامل اقتصادی و فرهنگی بسیاری است -.

■ به نظر شما چه عواملی باعث موفقیت نویسنده است؟

□ تغییرات اجتماعی - سیاسی و آشنایی با فلسفه و مکاتب ادبی و تجربه های شخصی مانند مسائل خانوادگی، جنگها، سفرها و ... از مهمترین عوامل تحول در روند داستان نویسی است.

نرخس آبیبار

■ اگر در مرحله نگارش یک اثر، مشکلی بروز کند و نتوانید نوشتن داستان را ادامه دهید برای رهایی از آن به چه شگردهایی دست می زنید؟

□ کار را رها می کنم. هر اثری هر وقت وقتش برسد به بهترین وجه (بسته به استعداد و توان نویسنده) نوشته خواهد شد. بسیار پیش آمده که در نوشتن داستان به بن بست رسیده ام، هر چند که طرح در ذهنم کاملاً روشن بوده اما کار را رها کرده ام و مدتی بعد به سراغش رفته ام و کار را به روانی پیش برده ام.

■ شرکت در جلسات نقد داستان چه فوایدی دارد؟

□ اول اینکه انگیزه برای نوشتن ایجاد می کند و دوم اینکه زمینه ارتباطات را گسترده تر می کند. تحول در نشر و فن نوشتن ایجاد می کند و همین طور امکانات نوشتن حتی چاپ اثر را بهتر فراهم می سازد و نیز با کتب مطرح ادبیات داستانی هم در این جلسات آشنا می شویم.

علی ایبافلو

■ اهمیت مطالعه داستان را چگونه ارزیابی می کنید؟

□ درباره اهمیت مطالعه آن قدر صحبت شده که دیگر پرداختن به آن تکرار مکررات است. هر داستان خوب تجربه ای

است از زندگی و چون ما انسانها فرصت کافی برای تجربه کردن همه مسائل را نداریم داستان می خوانیم تا تجربه پیدا کنیم.

■ نویسندگان در چه زمینه هایی باید مطالعه کنند؟

□ زمینه مشخصی را نمی توان برای مطالعه توصیه کرد. نویسنده باید درباره کلی ترین مسائل شناخت کافی داشته باشد. برخی از نویسندگان حتی درباره بعضی مسائل از جمله زیست شناسی، پزشکی، ریاضی اطلاعات کافی دارند. البته لازم نیست که نویسنده در همه زمینه ها مطالعه داشته باشد ولی درباره موضوعی که می نویسد باید اطلاعات کافی داشته باشد. نویسنده موفق کسی است که زیاد مطالعه می کند.

روح الله مهدی پور عمرانی

■ تا به حال چه آثار مطرحی را مطالعه کرده اید؟

□ سعی کرده ام یک دوره تاریخی از ادبیات گذشته و حال ایران و جهان را بخوانم. در این میان بعضی آثار به دلیل نزدیکی و همیشگی فرهنگی تأثیر ژرفتری در ذهنم داشته اند. مانند ادبیات آمریکای لاتین. از خواندن «اسرارالتوحید» و «هفت پیکر» هم هرگز سیر نشده ام.

■ برای نویسنده شدن چه عواملی را باید در نظر گرفت؟

□ باید پس از مطالعه بسیار اقدام به نوشتن کرد. در این مرحله باید خود باشیم و از تقلید روی گردان باشیم.

سیده هاجر حداییقی

■ علت کاهش آثار داستانی در چیست؟

□ نمی توان گفت کاهش آثار داستانی باید گفت کاهش آثار خوب داستانی. هم اکنون در بازار کتابهای داستانی کارهای بسیار رنگارنگی پیدا می شود که باید دید آیا همه آنها رسالت واقعی خود را انجام می دهند یا خیر.

■ اهمیت داستانخوانی را در سطوح مختلف چگونه برآورد می کنید؟

□ مردم اغلب برای سرگرمی و گذراندن وقت به تلویزیون روی می آورند حال آنکه مطالعه داستان به انسان تجربه می دهد و زندگی جدیدی را نشان می دهد. آن زندگی که در داستان است به گونه ای است که خواننده به راحتی می تواند آن را تجربه کند و بر بسیاری از مشکلات خود فائق آید.

■ اگر در هنگام نوشتن با مشکلی برخورد کنید چه می کنید؟

□ ابزار کار نویسنده کلمه است و روح و ذهن، عامل اصلی نگارش یک اثر. با پدید آمدن مشکل، باید قلم را بر زمین بگذاریم و کتاب بخوانیم. من معمولاً در چنین حالتی به کتابخانه می روم و مطالعه می کنم.

جواد ملک پور

■ انگیزه اصلی شما از مطالعه داستان چیست؟

□ داستان پدیمان، مملو از سرگذشت انسانهاست. نویسنده

آن را به دقت می آراید و با کمک قدرت فکر و تخیل خود تمام حوادث را خلق می کند. برای آشنایی با تجربه نویسنده و رسیدن به نشاط و شادی و تازگی روح داستان می خوانم.

■ آیا مطالعه داستان می تواند انگیزه ای برای نوشتن باشد؟

□ بله: به نظر من در صورت داشتن استعداد با خواندن چندین کتاب می توان کتابی نوشت. به طور مثال فردوسی زمانی «شاهنامه» را نوشت که اعراب بر کشور تسلط داشتند. «شاهنامه» فردوسی باعث شد مردم در قهوه خانه جمع شوند و به داستانهای شاهنامه گوش دهند. در نتیجه بسیاری بر آن شدند کاری مشابه فردوسی انجام دهند و به نوشتن پردازند.

■ علت کاهش مطالعه داستان چیست؟

□ یکی از دلایل کاهش مطالعه داستان جنبه مادی قضیه است. مردم گرفتار تأمین معاش هستند در نتیجه وقت مطالعه داستان را ندارند. متأسفانه تلویزیون جای کتاب را گرفته است (البته داستانهای تلویزیون برای بینندگان نوعی داستان یا رمان هستند آن هم به صورت زنده). گرانی کتاب عامل دیگری است. باید برنامه ریزی اصولی درباره کتاب و کتابخوانی شود.

■ از چه زمانی به خواندن داستان روی آوردید؟

□ من الان شصت سال دارم و حدود پنجاه سال پیش وقتی به مدرسه می رفتم یک کتابفروشی جنب دبستان خیام بود که از آنجا کتاب رمان اجاره می کردم، شبی یک ریال و گاه نیم ریال. حدوداً یک شبه آنها را می خواندم. جای دیگری که کتاب اجاره می کردم کتابفروشی زیبا بود نزدیک تکیه ملا قدیر جنب دبستان فرهنگ من از دوره نوجوانی داستان می خواندم.

مرجان شادان

■ چقدر داستان مطالعه می کنید؟

□ در اوقات فراغت، داستان می خوانم. گاهی طی دو روز خواندن یک داستان را تمام می کنم. من دوست دارم خیلی سریع داستان بخوانم.

■ انگیزه اصلی شما از مطالعه داستان چیست؟

□ خیلی دوست دارم مطالب جلوتر و آینده را پیش بینی کنم. از این کار لذت می برم و پیش بینی حوادث یک داستان برایم جالب است. فکر می کنم ذهن خواننده در مطالعه داستان بسیار باز می شود. هنگام مطالعه داستان به احساس خوبی می رسم.

■ بیشتر چه نوع داستانهایی را مطالعه می کنید؟

□ بیشتر دوست دارم داستانهایی که زندگی ائمه را بیان می کنند بخوانم. بعد از آن داستانهایی را دوست دارم که در آن بتوانم حوادث آتی را پیشگویی کنم مثل داستانهای پلیسی که بسیار مشکل طرح شده اند.

اللهه فریور تنها

■ انگیزه اصلی شما از مطالعه داستان چیست؟

□ دلم می خواهد داستان حسن برانگیز باشد. گاهی پس از مطالعه داستان تا چند روز تحت تأثیر قرار می گیرم. این حال و هوا گاه باعث می شود که از خوردن غذاهم امتناع کنم. فکر می کنم مهمترین عامل در مطالعه داستان حسن برانگیز بودن آن است. دلم می خواهد داستان طوری طراحی شود که بیشتر احساس درون مرا برانگیزد.

■ چقدر مطالعه می کنید؟

□ هر هفته یک رمان می خوانم؛ البته بستگی دارد به حجم کتاب. به طبع خواندن داستانهایی بلند بیشتر طول می کشد. گاه بعضی قسمتها را چندبار می خوانم.

■ در مطالعه داستان جدا از کسب لذت در جست و جوی

چه چیزهای دیگری هستید؟

□ فکر می کنم مهمترین چیز پس از حسن برانگیز بودن، کسب تجربه است. شکستها و پیروزیهایی که قهرمانان داستان می توانند با آنها روبه رو شوند به انسان تجربه می دهد. جدای از این، فراموش کردن محیط پیرامون عامل دیگری است که به خواننده کمک می کند گاه از محیط اطراف فرار کند و به دنیای بسیار زیبایی داستان روی آورد.

هایده کربلایی علی

■ آیا هنگام مطالعه داستان دوست دارید داستان را به سرعت

به پایان برید یا خیر؟

□ اصلاً دوست ندارم داستانی را که می خوانم به سرعت به پایان ببرم. البته من در زندگی گهگاه شتابزده کار می کنم اما هنگام مطالعه داستان دوست دارم بسیار آرام پیش روم و تا آنجا که می توانم در دنیای تخیل غرق شوم. به نظر من نمی توان بدون استفاده از قدرت تخیل داستان را خواند. اغلب اوقات خودم را جای شخصیت اصلی زن داستان می گذارم. مطالعه باید آرام صورت گیرد.

■ آیا مطالعه داستان انگیزه ای برای نوشتن در شما ایجاد کرده

است؟

□ بله، انگیزه نوشتن در من ایجاد کرده اما هر بار که به این فکر می افتم وحشت سر تا پای وجودم را می گیرد. نمی دانم چرا از دست به قلم گرفتن می ترسم. شاید می ترسم مرا مسخره کنند.

■ دوست دارید بیشتر چه نوع داستانهایی را مطالعه کنید؟

□ به تاریخ علاقه مند و دوست دارم داستانهایی تاریخی بخوانم. شاید در ذهن خود داستان و تاریخ را تلفیق کرده ام. اما در هر صورت هم داستان را دوست دارم و هم تاریخ را. مخصوصاً کتابهایی که زندگی نویسندگان و دانشمندان را به صورت داستان بیان می کنند. بعد از آن از مطالعه داستانهایی اجتماعی لذت می برم.

جمشید گیلانی

■ چه نوع توعاتی از داستان و نویسنده دارید؟

انتظار من از نویسنده این است که آنچه خود نتوانسته ام در زندگی و حوادث آن تجربه کنم را فرآوری من بگذارد. آنچه می‌خواهم در داستان به آن دست یابم تجربه ناشناخته‌ها و ناشنیده‌ها و نادیده‌هاست.

■ مطالعه داستانهای ایرانی را ترجیح می‌دهید یا آثار ترجمه شده را؟

□ همان‌طور که قبلاً اشاره کردم به آنچه که تاکنون برایم ناشناخته مانده، علاقه بیشتری دارم. آثار ترجمه شده از آثار نویسندگان کشورهای دیگر و فرهنگهای دیگر را ترجیح می‌دهم چون در آنها دنیای ناشناخته تری نهفته است. در بسیاری موارد حتی نوع برخورد‌های شخصی یا اجتماعی افراد که کاملاً با اندیشه و فرهنگ ما تفاوت دارد برایم جالب است. در عین حال آشنایی با سبک زندگی (اعم از لباس پوشیدن، غذا خوردن و بسیاری موارد دیگر) از اهمیت زیادی برخوردارند.

اکرم اسکوخو

■ بیشتر چه نوع داستان‌هایی را مطالعه می‌کنید؟

□ بیشتر از داستانهای ماجراجویانه لذت می‌برم. اگر چه خانه دار هستم، به غیر از کارهای خانه و رسیدگی به خانواده بیشتر وقتم را صرف خواندن داستان می‌کنم. همه داستانهای دانیل استیل را خوانده‌ام. داستانهای قدیمی تر را هم خیلی دوست دارم. داستان‌هایی که در کاخهای قدیمی انگلیسی اتفاق می‌افتد مثل «اریکا». البته این را هم بگویم گاه اتفاق افتاده که چندرمان را به کرات بخوانم مثل «بربادرفته» و «بلندیهای بادگیر».

■ هنگام خرید کتاب داستان به چه مواردی توجه دارید؟

□ معمولاً کتابهایی را می‌خرم که نویسندگانش را می‌شناسم. در مرحله بعد اگر شخصی کتابی را خریده و خوانده باشد و به من توصیه کند آن کتاب را هم می‌خرم. از قرض گرفتن کتاب خوشم نمی‌آید. روی جلد کتابها هم عامل مهمی در خرید کتاب است. نمی‌توان جذابیت رنگ و طرح‌ها را نادیده گرفت.

لیلام

■ مطالعه داستان در زندگی انسانها چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

□ هر داستان دنیایی از تجربیات، احساسات و تفکرات

مختلف را برای خواننده به همراه دارد. به همین دلیل خواننده در هر طبقه اجتماعی با آگاهی به بار معنایی یک داستان می‌تواند به اندازه تواناییهای فکری خود از داستان بهره گیرد. گذشته از این، خواننده با جایگزین کردن خود به جای یکی از شخصیت‌های داستان که عموماً شخص اول داستان است، با او زاده می‌شود، رشد می‌کند، بالنده می‌شود، عاشق می‌شود، خانواده تشکیل می‌دهد و بدین ترتیب در کوران حوادث آبدیده می‌شود. یعنی تجربه‌ای از زندگی را به دست می‌آورد که در این صورت به قدرت تفکر و تعقل او می‌افزاید.

■ توجه به نثر، سبک و شیوه‌های تکنیکی داستان نویسان هم برایتان مهم است یا خیر؟

□ بله، به طور قطع و یقین آنچه نویسنده‌ای را از نویسنده‌ای دیگر متمایز می‌کند نثر و شیوه‌های ادبی اوست. تفاوت‌های قلمی نویسندگان در سبک نگارش باعث بسیاری از تحولات ادبی بوده است. مکتبهای مختلف ادبی در دورانهای گوناگون نتیجه همان تفاوت‌هاست. خواننده نباید بدون در نظر گرفتن چنین تحولات و تفاوت‌هایی، به مطالعه داستان بپردازد.

مهناز آراین

■ در هنگام مطالعه داستان افزون بر کسب لذت در جست و جوی چه چیزهای دیگری هستید؟

□ شناخت افراد با توجه به اطلاعاتی که نویسنده از رفتار و گفتار شخصیت‌های داستان ارائه می‌دهد و کسب تجربه، با قرار دادن خود در مواقع حساس، به جای شخصیت‌هایی که برایم جالب توجه هستند، آشنا شدن با تفکرات جدید به ویژه در داستانهای جدید، به دست آوردن تعریفی دقیقتر از معنای وجودی انسان و زندگی او، و بالاخره محک زدن اندیشه و شخصیت خودم و شناخت بیشتر خویشتن از مواردی است که حین خواندن کتب داستان به دنبال آنها هستم.

■ آیا به راحتی می‌توانید با شخصیت‌های داستانی و حتی آن گروه که مخالف آنها هستید رابطه حسی برقرار سازید و آنها را درک کنید؟

□ از آنجا که هدف اصلی از مطالعه داستان را شناخت انسان می‌دانم سعی بسیار می‌کنم تا شخصیت‌های مختلف را درک کنم. اینکه با افراد متفاوت و متضاد ارتباط حسی برقرار کنم فکر می‌کنم برای اغلب افراد کار مشکلی باشد. چرا که در این صورت بسیاری از مباحث فکری و عقیدتی خود را باید کنار بگذارم تا بتوانم افکار متفاوت را بپذیرم که کار مشکلی است.